

نگاهی به شرح‌های نهج البلاغه

مصطفی بروجردی



اشاره

قرار نگرفته است. شارحان با انگیزه‌های گوناگون اقدام به شرح‌نویسی می‌کرده‌اند: توضیح واژگان دشواریاب، شرح مبانی کلامی، فلسفی موردنظر، تحلیل و تبیین حوادث تاریخی که به اجمال ذکر شده‌اند، ذکر نکات ادبی و بلاغی، استفاده و عطف‌گونه و اخلاقی از متون دینی و به تعبیری کمک به گسترش فرهنگ معنوی، نقل و نقد آراء شارحان پیشین، نقد و بررسی اسنادی و اثبات صحت روایات، و حتی اثبات قدرت علمی نویسندگان شرح، در زمره این انگیزه‌ها بشمار می‌روند.

در هر حال، انگیزه شارحان هرچه که بوده یا خواهد بود، ما اکنون وارث انبوهی از شرح‌های گوناگون بر نهج‌البلاغه هستیم که کم‌وبیش دارای مزایا و کاستیها، کژی‌ها و راستی‌ها و درستی‌ها و نادرستی‌هاست. اما این همه، جزئی از فرهنگ مکتوب اسلامی بشمار رفته و بر ما است که در شناسایی همه - یا اهم آنها - هرچند به اجمال، بکوشیم.

از زمانی که شریف‌رضی در سال ۴۰۰ هـ ق کار جمع و تدوین نهج‌البلاغه را به پایان رسانید، تا امروز که بیش از هزار سال از عمر این کتاب شگفت‌انگیز در حوزه فرهنگ اسلامی می‌گذرد، توجه اندیشمندان و معرفت‌پژوهان رشته‌های مختلف اسلامی از ادب گرفته تا تاریخ، اخلاق، عرفان، حکمت و کلام، سیاست و حکمرانی و مدیریت، به این کتاب به‌عنوان یکی از مهمترین منابع قابل استناد و قابل تأمل جلب شده است. سنت شرح‌نویسی بر متون دینی قدمتی طولانی دارد. کتابهای مقدس ادیان مختلف از سوی عالمان دینی با دقت و تأمل مورد بررسی‌های دقیق و موشکافانه قرار گرفته‌اند. در تاریخ اسلام، پس از قرآن کریم که اصلی‌ترین و اصیل‌ترین منبع تمامی مسلمانان بشمار می‌رود، تقریباً هیچ کتاب مقدس دیگری، بسان نهج‌البلاغه مورد شرح و تفسیر

نخستین شرح؟

در اینکه نخستین شرح نهج البلاغه از سوی چه کسی نگاشته شده، ظاهراً توافقی میان کتاب‌شناسان و نهج‌البلاغه‌پژوهان وجود ندارد. برخی از احمدبن محمد الوبری به‌عنوان نخستین شارح نام برده‌اند، گروهی سیدفضل‌الله راوندی را اولین شارح دانسته‌اند.^(۱)

شرح سیدفضل‌الله راوندی

تألیف: تاج‌الاسلام سیدضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی از بزرگان علم و ادب شیعی در سده ششم هجری است.

راوندی در سفر خود به نجف، نسخه‌ی اصل نهج‌البلاغه را ملاحظه نموده و از روی آن نسخه‌ای برای خود نویسانیده و در ربیع‌الاول ۵۱۱ به پایان رسانیده و پس از اتمام نسخه آن را قرائت، مقابله و تعلیقاتی بر آن نوشته و کلمات و جملات دشوار آن را شرح کرده، که به‌عنوان اولین شرح بر نهج‌البلاغه قلمداد شده است.^(۲)

نسخه‌ای از نهج‌البلاغه در دست است که محمدصادق بن محمد شفیع یزدی در ۱۱۳۲ از روی ابوالفتوح احمدبن‌ابی‌عبدالله بلکوبین ابی‌طالب‌آبی از روی نسخه سیدفضل‌الله راوندی تحریر نموده و حواشی راوندی در آن نقل شده است.^(۳)

شرح نهج‌البلاغه وبری

احمدبن محمد وبری خوارزمی از فضلاء قرن ششم هجری، شرحی بر نهج‌البلاغه نوشته که نظرش فقط شرح مشکلات آن بوده است. از این شرح، بیهقی در معارج نهج‌البلاغه و قطب‌الدین کیدری در حدائق‌الحقائق و ابن‌عتیقی در شرح خود بر نهج‌البلاغه، نقل نموده‌اند. ولی اصل این شرح در حوادث ایام از بین رفته و به دست ما نرسیده است.^(۴)

معارج نهج‌البلاغه یا شرح ابن‌فندق بیهقی

تألیف: ظهیرالدین ابی‌الحسن علی‌بن زید انصاری اوسی بیهقی ملقب به فرید خراسان و ابن‌فندق (متولد ۴۹۳ متوفای ۵۶۵ هـ)^(۵)

شرح معروفی است که بیهقی در دو جزء بر نهج‌البلاغه نوشته، جزء اول آن را در ۹ ربیع‌الاول ۵۵۲ و جزء دوم آن را در ۱۳ جمادى‌الاولی ۵۵۲ به پایان رسانیده است.

از این کتاب نسخه منحصری در آستان قدس رضوی به شماره ۲۰۵۲ موجود است،^(۶) و از روی همان نسخه از سوی کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی در قم سال ۱۴۰۹ هـ ق به تحقیق استاد کتابشناس محمدتقی دانش‌پژوه به

چاپ رسیده است.

منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه

تألیف: قطب‌الدین سعیدبن عبدالله بن حسین راوندی مشهور به قطب راوندی (م ۵۷۳ هـ)

شرح علمی و ادبی مهمی است بر نهج‌البلاغه و به‌گمان برخی اولین شرح نهج‌البلاغه نیز به‌شمار می‌رود. این شرح را قطب راوندی در اواخر شعبان ۵۵۶ به پایان رسانیده و سرآغازش چنین است.

«الحمد لله الذي جعل آل محمد أصول البراعة و فروعها واتخذهم - و هم رحمة للعالمين - معدن البلاغة و ينبوعها.»

نسخ متعددی از این شرح به‌دست ما رسیده که استاد فقید سیدعبدالعزیز طباطبائی هفت نسخه آن را معرفی نموده است.^(۷) و تاکنون سه بار به چاپ رسیده، بار اول در حیدرآباد هند در سه جلد به تصحیح شیخ‌عزیزالله عطاردی در سال ۱۴۰۳ هـ، بار دوم چاپ دوم همان تصحیح در تهران، بار سوم از سوی کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی در قم سال ۱۴۰۶ به تصحیح سیدعبدالله‌اللطیف قرشی کوهکمری.

شرح قطب راوندی مأخذ و مصدر شروح بعدی نهج‌البلاغه قرار گرفته و قطب‌الدین کیدری در حدائق‌الحقائق و علی‌بن ناصر در اعلام نهج‌البلاغه و ابن‌ابی‌الحدید در شرحش در موارد متعدد از آن نقل و متعرض آراء وی شده‌اند.

حدائق‌الحقائق فی فسر حدائق أفصح‌الخلايق

تألیف: قطب‌الدین ابوالحسن محمدبن حسین بیهقی کیدری نیشابوری، مشهور به قطب‌الدین کیدری (زنده در سال ۶۱۰ هـ)^(۸)

کیدری شرحش را در اواخر شعبان سال ۵۷۶ هـ به پایان رسانیده و در آن از شرح قطب‌الدین راوندی و فرید خراسان بهره جسته است. سرآغاز شرح وی چنین است:

«الحمد لله الذي جعل جناب عظمته من ان يتصور بالأوهام»

از شرح کیدری نسخ متعددی در دست است و تاکنون سه بار به چاپ رسیده است، بار اول در هند سال ۱۴۰۴ هـ به تصحیح شیخ‌عزیزالله عطاردی در سه جلد، بار دوم تجدید همان چاپ در تهران در سال ۱۴۱۵ هـ، بار سوم در ایران با تحقیق مجدد به چاپ رسیده است.

شرح ابن‌ابی‌الحدید

نگارش شرح نهج‌البلاغه از سوی عزالدین ابی‌حامد عبدالحمیدبن هبة‌الله المدائنی مشهور به ابن‌ابی‌الحدید^(۹)

(۶۵۶ - ۵۸۶ هـ) تحولی اساسی در نگارش شروح نهج البلاغه تلقی می‌گردد. زیرا وی علاوه بر این که بر ادب عرب تسلط وافر داشته و اشعاری نیکو نیز سروده، بر تاریخ فقه، و کلام نیز احاطه داشته است. از این رو شرح وی در طی قرون و اعصار گذشته همواره مورد توجه علاقمندان کلام مولی علیه السلام بوده است.^(۱۰) ضمن این که وی ظاهراً نخستین شارح غیر شیعی نهج البلاغه نیز هست. شرح ابن ابی الحدید از حیث بیان زیباییهای ادبی نهج البلاغه و ذکر مسائل تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچند این شرح به زبان عربی نگاشته شده، اما چند ترجمه از آن به زبان فارسی دیده می‌شود. از جمله شمس‌الدین محمد بن مراد - که ظاهراً از دانشمندان عصر صفوی است - آن را به پارسی برگردانده است. هرچند این ترجمه تاکنون به صورت خطی باقی مانده است.^(۱۱) ترجمه‌ای دیگر نیز با نام مظهر البینات اثر نصرالله تراب بن فتح‌الله دزفولی از این شرح وجود دارد که آن نیز مخطوط است.^(۱۲) گزیده‌ای از این شرح، در سالیان اخیر توسط استاد دکتر محمود مهدوی دامغانی به زبان فارسی شیوا و زیبا ترجمه و در چند مجلد از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده است. علاوه بر ترجمه‌های یادشده، برخی نیز گزیده‌هایی از آن را به زبان اصلی کتاب - یعنی عربی - فراهم کرده‌اند. از جمله می‌توان به این گزیده‌ها اشاره کرد: التقاط الدر والنخب اثر محمد بن قنبر کورعلی مدنی کاظمی،^(۱۳) الدرالنضید اثر فخرالدین عبداللہ بن المویذ بالله^(۱۴) و مختصر شرح ابن ابی الحدید اثر سلطان محمود بن غلامعلی طبسی مشهدی (م ۱۰۹۷ هـ).^(۱۵)

با این همه، شرح ابن ابی الحدید، علی‌رغم استقبال فراوان، مورد نقدهای متعدد و جدی، عمدتاً از سوی منتقدان شیعی، نیز قرار گرفته است. از جمله می‌توان به نقد احمد بن طائوس (م ۶۷۳ هـ) با نام الروح فی نقض ما برمه ابن ابی الحدید، اشاره کرد.^(۱۶) شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ هـ) هم انتقادات خود را بر این اثر سلاسل الحدید لتقیید ابن ابی الحدید، نامیده است.^(۱۷) کتاب دیگری با نام سلاسل الحدید فی رد ابن ابی الحدید اثر مصطفی بن محمد امین (م ۱۳۳۱) دیده می‌شود.^(۱۸) از دیگر نقدها می‌توان به الرد علی ابن ابی الحدید اثر شیخ علی بن حسن بلاذی بحرانی (م ۱۳۴۰)،^(۱۹) الشهاب العتید علی شرح ابن ابی الحدید، نگاشته شیخ عبدالنبی عراقی،^(۲۰) و الرد علی ابن ابی الحدید اثر شیخ طالب حیدر اشاره کرد.^(۲۱)

ابن ابی الحدید در مبانی کلامی، معتزلی و به‌علت

موافقت با جاحظ، معتزلی جاحظی است. هرچند برخی کوشیده‌اند از ابن ابی الحدید چهره‌ای به‌عنوان یک شیعی غالی نشان دهند، اما بررسی شرح نهج البلاغه نشانگر گرایشات معتزلی او است. وی در آغاز کتاب، اتفاق همه شیوخ معتزلی خود را بر صحت شرعی بیعت با خلیفه اول نقل نموده و بر فقدان نصی از جانب رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم در بیعت با وی تأکید می‌کند و می‌افزاید انتخاب مردم که هم به اجماع و هم به غیر اجماع، راه تعیین پیشوا شمرده شده، موجب صحت آن است. همو به پیروی از مکتب معتزله بغداد، امام علی علیه السلام را برتر از خلفای پیشین دانسته و این برتری را هم در کثرت ثواب و هم در فضایل و خصایل حمیده می‌داند. با این همه به عقیده او، افضلیت امام، امری ضروری نیست! همچنین او معتقد است که هیچ نصی بر خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد نشده است.

ابن ابی الحدید این اثر را در بیست جزء و به نام ابن علقمی و زبیری تألیف کرد. وی نگارش این شرح را در اول رجب ۶۴۴ هجری آغاز و در پایان صفر ۶۴۹ تمام کرد. او در پایان کتاب خود می‌نویسد. تدوین این اثر چهار سال و هشت ماه طول کشید که برابر است با مدت خلافت حضرت علی علیه السلام. به گزارش هندوشاه به پاس نگارش این اثر هدایایی گران‌قیمت از سوی ابن علقمی به او اهدا شد.

اهمیت شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، با چشم‌پوشی از نقاط ضعف عقیدتی، عمدتاً در گزارش‌های مفصل تاریخی است. او در تدوین این گزارش‌ها علاوه بر استفاده از منابع مشهوری چون اغانی ابی الفرج اصفهانی، سیره ابن هشام و تاریخ طبری، از برخی منابع نادر استفاده کرده که امروزه از میان رفته یا در دسترس قرار ندارند.

از این جمله می‌توان به کتابهایی نظیر المقالات تألیف زرقان شاگرد ابراهیم بن سیار نظام، المقالات ابوالقاسم کعبی بلخی، کتاب فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام اثر احمد بن حنبل، کتاب الجمل هشام بن محمد کاتبی و کتاب الکنز از ابراهیم بن سیار نظام، اشاره کرد.

گذشته از شرح حوادثی که به‌گونه‌ای در متن نهج البلاغه بدان اشاره شده، شرح ابن ابی الحدید به لحاظ حضور و حیات وی در زمان حمله مغول و انعکاس حوادث مربوط به خروج مغول، فتح ماوراءالنهر و خراسان و عراق و دیگر نواحی و هجوم آنان به بغداد، از منابع مهم تاریخی در این موضوع به‌شمار می‌رود.

با این همه ابن ابی الحدید گاه چنان در نقل حوادث

تاریخی راه افراط را در پیش می‌گیرد که می‌توان تاریخ ابن ابی‌الحدید را از شرح نهج‌البلاغه وی بسان کتابی مستقل استخراج کرد. و گاه در پاره‌ای موارد اصلاً اشاره‌ای به حادثه تاریخی نمی‌کند.

در مورد مباحث ادبی نیز این افراط و تفریط گاه به چشم می‌خورد. در برخی موارد نیز اشتباهات چشمگیری دیده می‌شود. برای نمونه وی خطبه ۳۹ را به حادثه غارت نعمانی نسبت می‌دهد، درحالی‌که این خطبه به مناسبت کشته شدن محمد بن ابی‌بکر ایراد شده است. نیز خطبه ۲۹ را به حادثه غارت ضحاک نسبت می‌دهد، درحالی‌که مربوط به داستان معاویه است.^(۲۲) از دیگر مواردی که درباره شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید گفته شده، عدم رعایت مناسبت نقل مطالب در بسیاری از موارد است، هرچند که بسیاری از این مطالب دارای اهمیت هستند.^(۲۳)

مصباح‌السالکین

معروف‌ترین شرح نهج‌البلاغه در سده هفتم قمری، مصباح‌السالکین اثر محدث، فقیه و متکلم برجسته شیعی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی است. این عالم فرزانه، معاصر خواجه نصیرالدین طوسی بوده و ظاهراً میان آن دو رابطه استادی و شاگردی دو جانبه برقرار بوده است. بدین‌گونه که خواجه نزد وی به آموزش فقه و او نزد خواجه به آموزش کلام پرداخته است. هرچند گفته‌اند مقام فقهی او بسان مقام کلامی خواجه بوده است، با این‌همه مهمترین اثر وی که همین شرح نهج‌البلاغه است، بیش از همه شرحی به روش کلامی و فلسفی است.^(۲۴)

قبل از پرداختن به روش ابن میثم در این شرح و ذکر ویژگی‌های آن، لازم به تذکر است که وی پس از نگارش این شرح، آن را تلخیص نموده و آن را اختیار مصباح‌السالکین نامیده است.

ویژگی‌ها:

۱- ابن میثم در آغاز جلد نخست، مقدمه‌ای در حدود هفتاد صفحه پیرامون مباحث ادبی نگاشته، موضوعاتی نظیر دلالت الفاظ، اقسام لفظ، مباحث اشتقاق الفاظ، ترادف و توکید، مشترک لفظی، بلاغت و فصاحت، محاسن کلام، حقیقت و مجاز، تشبیه، استعاره، حقیقت نظم، اقسام نظم، حقیقت خطابه، مبادی و اقسام خطابه، امور مختلف در زیبایی خطابه را توضیح داده است.

۲- در ادامه همین مقدمه بحثی جالب پیرامون شخصیت و فضائل انسانی امام امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد. او در این بحث که طی چند فصل ذکر شده، از ابعاد مختلف به بررسی

شخصیت امام علیه السلام می‌پردازد: فضیلت‌های بیرونی امام علیه السلام (ص ۷۵) فضیلت‌های نفسانی امام علیه السلام در ابعاد نظری و عملی (ص ۷۹)، کرامات امیرالمؤمنین (ص ۸۲).

۳- وی در این شرح به سایر شرح‌های قبل از خود نظر داشته و گاه با نقل کلمات شارحان پیشین به تأیید یا تضعیف اقوال آنان می‌پردازد. (برای نمونه ج ۱ ص ۱۰۵)
۴- استفاده‌های بجا و شایسته از قرآن کریم در توضیح و تفسیر کلام مولی علیه السلام. (برای نمونه ص ۱۱۶، ۱۱۷)
۵- اشاره به اقوال ادیبان گذشته در فهم کلمات نهج‌البلاغه (ص ۱۱۶).

اما مهمترین ویژگی شرح ابن میثم، صبغه کلامی و فلسفی آن است. ابن میثم به علت مطالعات گسترده حکمی و کلامی، با نگاه یک متکلم شیعی کوشیده است تا به بررسی و شرح نهج‌البلاغه بپردازد. این ویژگی ضمن آنکه یک امتیاز برای این شرح تلقی گردیده اما به علت تحت‌الشعاع قرار گرفتن سایر مسائل، مورد نقد برخی از شارحان دیگر قرار گرفته است. نقد دیگری که بر این شرح مطرح گردیده کثرت استناد به روایات غیر شیعی و ضعف استفاده از منابع روایی و نقلی شیعی است. هم‌چنین در مباحث ادبی و لغوی نیز نقدهایی به این شرح وارد شده است.^(۲۵)

شرح علامه حلی

تألیف: علامه جمال‌الدین ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م ۷۲۶ هـ) درباره شرح علامه حلی بر نهج‌البلاغه، نظرات کتابشناسان متفاوت است. علامه حلی در کتابش «خلاصة الاقول فی معرفة الرجال» در ضمن آثارش کتاب «مختصر نهج‌البلاغه» را یاد کرده است.^(۲۶) ولی در الذریعه عنوان شده که در برخی نسخ‌الخلاصه نام کتاب «مختصر شرح نهج‌البلاغه» ذکر شده است.^(۲۷) و در کشف‌الحجب توضیح داده شده که علامه حلی شرح ابن میثم را تلخیص نموده است.^(۲۸) و ظاهر سخن وی چنان است که نسخه‌ای از کتاب را ملاحظه نموده است. و در روضات‌الجنات نیز شرح نهج‌البلاغه، ضمن آثار موجود علامه حلی یاد شده است.^(۲۹)

نسخه‌ای از شرح نهج‌البلاغه‌ای در کتابخانه دکتر علی اصغر مهدوی در تهران موجود است که طبق قرائن قطعیه مؤلف آن از دانشمندان سده هشتم هجری است. و گفته شده که این شرح همان شرح علامه حلی است. خوشبختانه این نسخه با تحقیق شیخ عزیزالله عطاردی با عنوان «شرح نهج‌البلاغه شارح محقق من اعلام القرن الثامن» در سال ۱۳۷۵ هـ در ۵۳۰ صفحه منتشر شده

است که محقق، انتساب آنرا به علامه حلی یقینی نمی‌داند. اما قرائن قوی احتمال انتساب آن به علامه حلی، مردود نیست. از جمله آن‌که در این شرح سوال و جوابی بین شارح و خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی طرح شده، که این‌گونه سوال و جوابها بین علامه حلی و خواجه رشیدالدین در موارد متعدد دیگر، در دست است. از جمله رساله فوائد زیارت خواجه رشیدالدین فضل‌الله است که آنرا در سال ۷۰۹ هـ ق در پاسخ علامه حلی نگاشته است.^(۳۰)

هم‌چنین مناظره‌ای بین علامه حلی و خواجه رشیدالدین درباره جمع بین آیه «قل رب زدنی علماً» و حدیث حضرت علی علیه السلام «لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً» صورت گرفته که امروزه نسخه آن در دست است.^(۳۱) هم‌چنین در کتاب «کاوشی در نهج‌البلاغه» درباره انتساب این شرح به علامه حلی بحث شده است.^(۳۲)

شرح ابن عتایقی

تألیف: کمال‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن ابراهیم عتایقی حلی مشهور به ابن عتایقی از دانشمندان شیعی سده هشتم هجری.^(۳۳)

ابن عتایقی شرح خودش را در چهار جلد تألیف نموده و جلد سوم آنرا در ۷۸۶ هـ ق به پایان رسانیده است. او شرحش را از سه شرح ابن‌مثم و ابن‌ابی‌الحدید و قطب‌الدین کیدری‌گزینش نموده و در مواردی نظرات ابن‌ابی‌الحدید را نقد نموده است.

از شرح ابن‌عتایقی فقط جلد اول و جلد سوم آن باقی‌مانده که از سوی بنیاد نهج‌البلاغه در دست تحقیق و انتشار است. اما از جلد دوم و چهارم تاکنون نسخه‌ای شناسایی نشده است.^(۳۴)

شرح الهی اردبیلی «منهج الفصاحة»

تألیف: کمال‌الدین حسین بن شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی متخلص به الهی (م ۹۵۰ هـ ق)^(۳۵) الهی چهار اثر درباره نهج‌البلاغه تألیف نموده که عبارتند از:

- ۱- شرح کبیر نهج‌البلاغه که آنرا «منهج الفصاحة فی شرح نهج‌البلاغه» نامیده و به شاه‌اسماعیل صفوی تقدیم نموده است. تاکنون نسخه‌ای از این شرح شناسایی نشده است. و آنچه در فهرس به‌نام منهج‌الفصاحة الهی اردبیلی، معرفی شده تلخیص این کتاب بوده نه اصل آن.
- ۲- نهج‌الفصاحة یا منتخب منهج‌الفصاحة، الهی اردبیلی بعد از نگارش شرح کبیر خود بر نهج‌البلاغه، چون همت

مردمان را از مطالعه آن به سبب تفصیلش قاصر دید، آنرا به‌نام شاه‌طهماسب صفوی تلخیص و «نهج‌الفصاحة» نامید. از این شرح نسخه‌های متعددی در دست است و در فهرس با نام «منهج‌الفصاحة» معرفی شده است. این شرح به پارسی است و تاکنون به چاپ نرسیده است.

۳- ترجمه نهج‌البلاغه، ترجمه روانی است از نهج‌البلاغه و گویا اولین ترجمه فارسی نهج‌البلاغه است. این ترجمه به‌صورت چاپ سنگی به چاپ رسیده است.

۴- شرح و ترجمه کنایات و استعارات منهج‌الفصاحة، الهی اردبیلی این رساله را به درخواست سیدجلال‌الدین احمد مشهور به صفار مشهدی طوسی، نگاشته و در آن استعارات و تمثیلات به‌کار رفته در شرح کبیرش «منهج‌الفصاحة» را تفسیر نموده است. نسخه‌ای از بخش آغازین این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.^(۳۶)



شرح ملافتح الله کاشانی «تنبیه الغافلین»

تألیف: ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی (م ۹۸۸ هـ ق) ترجمه و شرح پارسی است از نهج البلاغه، این شرح به صورت مزجی صورت گرفته و اغلب جنبه ادبی و لغوی دارد.

از این شرح نسخ متعددی در دست است و اخیراً دوبار به صورت زیبا (بار اول در سه جلد و بار دوم در دو جلد) منتشر شده است. این شرح شباهت زیادی با ترجمه الهی اردبیلی دارد و در موارد متعددی کلمات و الفاظ عین هم هستند.

منهاج الولاية فی شرح نهج البلاغة

این شرح اثر جمال السالکین عبدالباقی صوفی تبریزی (م ۱۰۳۹ هـ ق) و ملقب به دانشمند است. منهاج الولاية شرحی موضوعی بر نهج البلاغه است. دانشمند، خطبه‌های نهج البلاغه را در دوازده باب تقسیم‌بندی کرده است:

باب اول: ستایش خداوند، توحید ذاتی، اسمائی و افعالی او، بیان شگفتیهای آفرینش؛

باب دوم: ستایش پیامبر ﷺ و آل او، و مناقب آنچه که او آورده است: قرآن کریم و اسلام؛

باب سوم: بیان شرافت دانش، هدایت، و اوصاف عالمان؛

باب چهارم: تقوی، صفات متقین و شعار اولیاء و صالحان؛

باب پنجم: حکمت‌های ظریف، مثالهای لطیف و آداب؛

باب ششم: وصایا، نصیحتها و مواعظ؛

باب هفتم: دوری از دنیای گذرا و روی آوردن به آخرت جاودان؛

باب هشتم: مذمت کبر و فخر و حسد و تویخ متکبران؛

باب نهم: مذمت ظلم و ظالمان و هرکس که با هدایت و دین به مخالفت برمی‌خیزد؛

باب دهم: قوانین عدالت و حکم و سیاست مُدن؛

باب یازدهم: معاد، احوال مرگ و قبر و احوال حشر و قیامت و ورود به بهشت و دوزخ؛

باب دوازدهم: دعا.

در هر یک از این بابها، تعدادی خطبه مورد شرح قرار گرفته‌اند. با این همه تعدادی از خطبه‌های باب نهم و تمامی خطبه‌های باب‌های دهم و دوازدهم بدون شرح باقی مانده که ظاهراً مؤلف موفق به شرح آنها نشده است. نکته دیگر اینکه در این شرح تکیه اصلی بر شرح خطبه‌ها بوده و به نامه‌ها و حکمت‌های قصار کمتر توجه شده است.

روش مؤلف بدین قرار است که در هر یک از ابواب فوق‌الذکر چند خطبه که مناسب با عنوان بوده برگزیده و پس از بیان عبارتی کوتاه از هر یک از خطبه‌ها - و گاه چند عبارت - به شرح آن خطبه پرداخته است.

این شرح، در همه موارد یکسان نیست. در برخی خطبه‌ها با تفصیل بیشتر و برخی دیگر بسیار فشرده و مختصر و حتی در پاره‌ای موارد تنها ترجمه عبارات نهج البلاغه است.

همچنین در ابواب گوناگون تعداد خطبه‌ها از یکسانی برخوردار نیست. برای نمونه در باب نخست هفت خطبه مورد شرح قرار گرفته‌اند که مفصل‌ترین ابواب کتاب را تشکیل می‌دهند. در باب دوم بیست خطبه، در باب سوم چهار خطبه و در باب چهارم تنها یک خطبه شرح شده است.

شرح عبدالباقی شرحی ترکیبی است: عرفان، ادب، اخبار و روایات، حکمت و کلام و اخلاق به وفور در این شرح دیده می‌شوند. او برحسب مورد از اقوال بزرگان اهل معرفت - نظیر ابن عربی، صدرالدین قونوی، روزبهان بقلی شیرازی، قشیری، خواجه نصیرالدین طوسی، مولوی، عطار، شبستری و ابن فارض - برای فهم و درک کلام بلند امام علیه السلام بهره می‌جوید.

در یک کلام، از شرح عبدالباقی بشدت بوی عرفان شیعی استشمام می‌شود. انتخاب دوازده باب و شروع از توحید و ختم آن به معاد و دعا، نشان از گرایش‌های شدید سلوکی شیعی دارد.

این شرح که تا روزگار ما در کتابخانه‌های مختلف بصورت خطی باقی مانده بود، با همت جناب آقای حبیب‌الله عظیمی و به کوشش دفتر نشر میراث مکتوب در دو جلد عرضه شده و در اختیار طالبان فهم کلام مولی علیه السلام قرار گرفته است.

شرح روغنی قزوینی

تألیف: مولی محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی از دانشمندان سده یازدهم هجری؛ شرح مزجی است بر نهج البلاغه که به جهت مزجی بودن آن گاهی از آن با نام ترجمه نهج البلاغه نیز یاد می‌شود. این شرح به صورت سربری در سال ۱۳۲۱ هـ ق به اهتمام میرزا علی ادیب خلوت فرزند میرزا اسماعیل عماد لشکر آشتیانی به چاپ رسید و در آن چاپ این کتاب اشتهاً به مولی صالح بن محمد برغانی قزوینی (م ۱۲۸۳ هـ ق) نسبت داده شده است. (۳۷)

نسخ متعددی از این کتاب در دست است و چهل سال

پیش با تصحیح و حواشی سیدابراهیم میانجی در چهار جلد منتشر شده است.^(۳۸) و تصحیح مجددی از آن در حال انجام است.^(۳۹)

بهجة الحدائق و حدائق الحقائق

این دو شرح از آثار سیدعلاءالدین محمد گلستانه اصفهانی (م ۱۱۱۰ هـ) است.

بهجة الحدائق، شرحی مختصر - اما کامل - بر نهج البلاغه بوده و دربردارنده توضیحاتی پیرامون عبارات دشوار نهج البلاغه است.^(۴۰)

حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق: شرحی مفصل - اما ناتمام - بوده که تنها تا خطبه ۱۳ نهج البلاغه را شرح داده،^(۴۱) از این شرح سه مجلد باقی مانده و سرنوشت باقی مجلدات نامعلوم است. اساس این شرح تفصیلی بر اخبار و روایات بوده، هرچند شارح از ذکر نکات ادبی و سخنان بزرگان ادب هم غفلت نورزیده است. مهمترین ویژگی این شرح، تحقیقی مفصل پیرامون موضوع امامت است که در طی آن به تمامی شبهات مخالفان پاسخ داده شده است.

گلستانه شرح سومی نیز بر نهج البلاغه نگاشته که آن شرح مفصل خطبه همام است. او تمامی این شرح را در فصل بیست و نهم کتابش «روضه العرفاء فی شرح الاسماء الحسنی» درج نموده است.^(۴۲) هیچکدام از شروح گلستانه به چاپ نرسیده و نسخ متعددی از آنها در دست است.

شرح نواب لاهیجی

تألیف: ملا محمدباقر بن محمد نواب لاهیجی اصفهانی از دانشمندان سده سیزدهم هجری؛ شرح و ترجمه مفصلی است از نهج البلاغه که مؤلف جلد اول آن را در سال ۱۲۲۵ و جلد دوم را در سال ۱۲۲۶ به پایان رسانیده است. این شرح را مؤلف به نام فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است.

نسخ متعددی از این شرح در دست است و بار اول در سال ۱۳۱۷ هـ در تهران به چاپ رسیده و در سال ۱۳۷۹ هـ از سوی دفتر نشر میراث مکتوب در تهران در سه جلد به شکل زیبا و تحقیقی، مجدداً به چاپ رسیده است.

شرح دنبلی خویی «الدرة النجفیه فی شرح نهج البلاغه الحیدریه»

تألیف: آیت الله شهید میرزا ابراهیم بن حسین دنبلی خویی (شهادت ۱۳۲۴ هـ).^(۴۳)

مؤلف شرحش را در دو جلد تألیف نموده و جلد اول

آن را در سال ۱۲۷۳ در دهه دوم صفر و جلد دوم آن را در جمادی الاول ۱۲۹۱ به پایان رسانیده است. شرح وی گزیده‌ای از شرح ابن میثم بحرانی است. و نسخ متعددی از آن در دست است که جلد اول نسخه اصل مؤلف در مدرسه نمازی خوبی^(۴۴) و جلد دوم در کتابخانه آیت الله مرعشی^(۴۵) نگهداری می‌شود. این شرح در زمان حیات مؤلف در تبریز به صورت سنگی به چاپ رسیده است. و اخیراً از طرف اداره اوقاف چاپ مجدد و تحقیقی آن در دست انجام است.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه

در میان شرحهایی که در قرن سیزدهم هجری بر نهج البلاغه نگاشته شده منهاج البراعة اثر ارزنده علامه محقق مرحوم حاج میرزا حبیب الله هاشمی خوبی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این کتاب که یکی از گسترده‌ترین شرحهای نهج البلاغه بشمار می‌رود، شرحی از آغاز نهج البلاغه تا پایان خطبه دو بیست و بیست و هشتم بوده و در چهارده مجلد انتشار یافته است. علامه محقق معاصر استاد حسن حسن‌زاده آملی با نگارش تکلمه‌ای در پنج مجلد و مرحوم استاد محقق محمدباقر کمره‌ای نیز با نگارش دو مجلد دیگر به همان سبک و سیاق این شرح ناتمام را به اتمام رسانده‌اند. در نتیجه دوره کامل شرح داری بیست و یک جلد بوده که محصول تلاش این سه عالم فرزانه است. لازم به یادآوری است که ناتمام ماندن شرح نهج البلاغه مرحوم خوبی به علت وفات ایشان در سال ۱۳۲۴ هـ بوده است.

مؤلف در آغاز دیباچه ضمن ستایش از نهج البلاغه به سه شرح از شرحهای معروف (راوندی، ابن ابی الحدید و ابن میثم) اشاره و بطور اجمال به برخی از کاستی‌های آنها اشاره می‌کند. وی آنگاه انگیزه خود را از نگارش این شرح، فقدان شرحی درخور و شایسته بر نهج البلاغه دانسته و می‌گوید کوشیده است تا شرحی عرضه کند که دشواری‌های متن را آسان نموده و حجابهای فهم را بدرد، بین واژگان، ترجمان و اعراب جدایی انداخته و دقایق معانی و حقایق بیانی را آشکار سازد، مشکلات معانی را با بهترین بیان تبیین کند و معضلات مبانی نهج البلاغه را با بیانی متقن تفسیر نماید و در این راستا از قرآن کریم و روایات ائمه طاهرین بهره‌مند شده است. همچنین این شرح دارای ویژگی‌هایی است که در سایر شرحها نایاب یا کمیاب است:

۱- ضبط اعداد متن نهج البلاغه جهت تسهیل امر

پژوهندگان،

۲- تقسیم خطبه‌ها و کلمات طولانی به چند قسمت،
۳- جداسازی میان لغت، معنی و اعراب و ذکر نکات
لطف ادبی،

۴- شرح آمیخته با متن (شرح مزجی)،

۵- اشاره به مواردی که ابن ابی‌الحدید از جاده صواب
خارج شده و نقد آراء و دیدگاههای وی،

۶- اشاره به حوادث تاریخی مذکور در نهج‌البلاغه،

۷- ذکر سلسله‌سند هریک از بخشهای نهج‌البلاغه.

مؤلف سپس در مقدمه‌ای گسترده، به مهمترین مباحث
بلاغی پرداخته و بیش از دوست صفحه را به این مباحث
اختصاص داده است. سپس مختصری به شرح نام، القاب،
کنیه‌ها و شمایل و صفات امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداخته و
آنگاه به سیدرضی و نهج‌البلاغه می‌پردازد.

این شرح به زبان عربی فصیح نگاشته شده و از گستره
معلومات ادبی، روایی، قرآنی، تاریخی نویسنده حکایت
می‌کند.

بهبج‌الصباغة فی شرح نهج‌البلاغه

در میان شرحهای نهج‌البلاغه، بهج‌الصباغة فی شرح
نهج‌البلاغه اثر علامه معاصر مرحوم شیخ محمدتقی تستری
(= شوشتری) (م ۱۳۷۴ هـ ش) یک اثر ممتاز و به لحاظ
روش قطعاً بی‌نظیر است. این عالم فرزانه که در فقه، رجال و
تراجم و حدیث صاحب‌نظر و دارای دهها جلد اثر تحقیقی
در این سه حوزه معرفتی شیعی بوده و تا سنین کهنولت،
پرکار و پرتلاش به تتبع و پژوهش اشتغال داشت، با نگارش
این شرح که در چهارده مجلد نسبتاً قطور انتشار یافته، به
حق نقطه عطفی در شرح‌نویسی بر نهج‌البلاغه ایجاد کرد.

او در آغاز کتاب خود ضمن ستایش نهج‌البلاغه و کلام
امیرالمؤمنین علیه السلام به نقد و ارزیابی عالمانه نهج‌البلاغه
پرداخته و برخی از تحریفهایی را که توسط سیدرضی در
سخنان آن حضرت صورت گرفته، خاطر نشان می‌سازد.
همچنین اشتباهات سیدرضی را در انتساب سخنانی به آن
حضرت که براساس شواهد، مربوط به امیرالمؤمنین نیست،
یادآور می‌شود. نیز برخی از موقعیتهای خطابه‌ها و کلمات
آن حضرت را که سید اشتهاً ذکر کرده برمی‌شمرد.
بی‌تردید، چنین رویکردی به نهج‌البلاغه و سیدرضی پیش
از علامه تستری در میان شارحان نهج‌البلاغه دیده نمی‌شود.
وی در همین مقدمه و پس از ذکر مطالب فوق به اهم
شرحهای نهج‌البلاغه پرداخته و از آن میان سه شرح ابن
ابی‌الحدید، ابن‌میثم و خوبی را به ترتیب بهترین شرحها
می‌داند. با این‌همه، از دیدگاه علامه تستری، این شرحها

ضمن داشتن نقاط قوت، خالی از ضعف نبوده و بر این
اساس یک‌یک این شرحها مورد نقد اجمالی قرار می‌گیرند.

بدین ترتیب، وی تصمیم می‌گیرد تا شرحی جامع بر
نهج‌البلاغه بنویسد که فاقد کاستی‌ها و کژی‌های شرحهای
دیگر باشد. اما برخلاف سنت رایج در شرح‌نویسی، که
براساس ترتیب خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار شرح
صورت می‌گیرد، وی بر آن می‌شود تا طرحی نو در انداخته
و با چشم‌پوشی از سنت ترتیب لفظی، براساس "ترتیب
معنوی" شرح خود را سامان دهد. بدین‌سان این شرح
نخستین شرح موضوعی مفصل بر نهج‌البلاغه است که در
شصت فصل طراحی و تدوین شده است. این موضوعات
عبارتند از:

توحید، آفرینش جهان، آفرینش فرشتگان، خلقت انسان
(حضرت آدم علیه‌السلام)، نبوت عامه و خاصه، امامت
عامه و خاصه، ملاحم و مغیبات، دانش امیرالمؤمنین علیه السلام و
دیگر سجایای اخلاقی آن حضرت، تفسیر آن حضرت از
آیات قرآن کریم، قضاوتها، پاسخهای مثل‌گونه
امیرالمؤمنین علیه السلام، زهد و بی‌اعتنایی امام به دنیا، التزام
علی علیه السلام به حق و عدالت، دعاها، شگفتیهای جهان آفرینش،
دانشهای ستوده و ناپسند، رهنمودهای آن حضرت به خلیفه
دوم، دوستی و دشمنی او، شجاعت و شهامت وی،
دوستان و دشمنان امام، سرزنشهای او نسبت به کارگزاران
خود، پیمان و تقیه آن حضرت، گله‌ها و شکایتهای ایشان،
کاستی‌های مردمان و اختلاف آنان، قضا و قدر، سخنان
جامع آن حضرت در مسائل دین و دنیا، آنچه به عمر و
عثمان مربوط می‌شود، موضوع بیعت آن حضرت، داستان
جمل، داستان صفین، حادثه نهروان، غارتها، مقتل آن
حضرت و وصیت‌های ایشان، مرگ، نکوهش دنیا، قیامت و
بهشت و دوزخ، آنچه یک بنده نسبت به پروردگار خود باید
انجام دهد. اسلام و ایمان و تقوی و کفر و نفاق، قرآن کریم،
عبادات و معاملات و خیر و شر، فضایل و مکارم اخلاقی،
صفات نکوهیده و پسندیده، آداب معاشرت، دوستان،
شادباش و تسلیت، آداب جنگ، نکوهش شامیان و ستایش
کوفه، انصار و گروههای قریش، استسقاء و قربانی، اقبال و
ادبار، فتنه‌ها و بدعتها، عقل، قلب و دل، حقایق، فقر، زنان،
شیطان و بالاخره موضوعات پراکنده.

هریک از این موضوعات شصت‌گانه دارای زیر
موضوعات متعدد بوده که شمارش بیان آنها در این گفتار
کوتاه نمی‌گنجد.

از ویژگی‌های برجسته این کتاب، معرفی نسخه‌های

گونگون نهج البلاغه و اشاره به اشتباهات، تصحیفها و تنظیمهای مختلف این نسخهها و بالاخره داوری درباره میزان اعتبار این نسخهها است.

مؤلف همچنین اشاره می‌کند در برخی از شرحها، قسمتی از شرح به عنوان متن یا بالعکس قلمداد شده است. مؤلف در مقدمه یادآور شده که امانت در نقل را رعایت خواهد کرد و هر مطلبی که مربوط به دیگران باشد، به خود نسبت نخواهد داد چراکه این کار را نوعی "سرقه" می‌داند. و نتیجه می‌گیرد که اگر مطلبی به کسی نسبت داده نشده باشد، از خود او است.

روش علامه ستیری در شرح بدین‌گونه است که در هر فصل و در پی هر عنوان که بخشی از خطبه یا کلام آن حضرت را نقل می‌کند، نخست به اختلاف روایت لغات و جملات در شرحها پرداخته، سپس صورت صحیح آن لغت یا جمله را با استناد به آیات و روایت صحیح، بطور مستند شرح می‌دهد. بطور کلی امتیازات بهج الصباغه را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱- موضوعی بودن شرح که بدان اشاره شد.

۲- نگرش انتقادی به برخی از شرحهای پیشین از جمله شرح ابن ابی الحدید و شرح ابن میثم.

۳- تصحیح متن نهج البلاغه، براساس متن منتشره از سوی شیخ محمد عبده مصری و اقدام به تطبیق این متن با چند متن دیگر از جمله متن نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ابن میثم و یک متن خطی.

۴- مستندسازی روایات نهج البلاغه براساس متون قبل از تألیف نهج البلاغه. علامه با کوششی درخور توجه تلاش کرده است تا منابع روایات نهج را یافته و متن خود را با متون قبل از نهج البلاغه تطبیق دهد.

۵- گستردگی موضوعات مورد بحث. علامه با انتخاب

۶۰ عنوان اصلی که هرکدام دربردارنده چندین عنوان فرعی است اهم موضوعات این کتاب شریف را به بحث گذاشته است. این موضوعات هریک جلوه‌ای از نهج البلاغه را نشان داده و بیانگر دامنه وسیع این دائرة المعارف عرفان، حکمت، سیاست و فلسفه و کلام است.

۶- توجه به ظرائف حوادث تاریخی. احاطه علامه بر مباحث تاریخی موجب گردیده تا درمورد حوادث تاریخی با دقت سخن گفته و خطاهای شارحان پیشین را نشان دهد.

۷- بی‌طرفی علمی در نقد و بررسی. علامه بدون

تعصب و جانبداری از مذهبی خاص، نقدهای علمی خود را

بر سخنان شارحان گذشته مطرح نموده و ضمن برشمردن محاسن آنان، معایب آشکار را نیز مطرح می‌نماید.

با این‌همه، نباید از ذکر چند کاستی در این شرح ارجمند غفلت ورزید:

۱- این شرح، براساس گرایشات و توانائیهای علمی مؤلف، بیشتر شرحی "نقلی" است و علیرغم معارف گسترده و عمیق عقلی و فلسفی در نهج البلاغه، شرح مذکور کمتر صبغه عقلی دارد.

۲- هرچند فصلهای شصت‌گانه بیشترین تنوع موضوعی را دارند. اما ترتیب منطقی خاصی در این چینش مشهود نیست.

۳- چاپ نخست کتاب با اسلوب ویرایشی کنونی سازگار نبوده و هرچند در چاپ دوم بسیاری از کاستی‌های چاپ نخست برطرف گردیده، اما برخی از خدمات ویرایشی دیگر هنوز در کتاب وجود ندارند. از جمله فهرستهای لازم، اعراب‌گذاری آیات و روایات، توضیح لغات دشوار و دیریاب، که امید است با همت بنیاد نهج البلاغه این کاستی‌ها در چاپهای آینده برطرف گردد.

شرح شیخ محمد عبده مصری

در میان علمای معاصر اهل سنت، شیخ محمد عبده مصری مفتی اسبق مصر و از شاگردان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، در پی آشنایی با نهج البلاغه توسط سید، و به ترغیب او، با تأمل در مضامین و معارف آن، کوشید تا این کتاب را به جامعه مصر معرفی کند. او در مقدمه خود بر نهج البلاغه می‌نویسد اصلاً این کتاب را نمی‌شناخته و نسبت به آن آگاهی نداشته است، اما هنگامی که از وطن دور بوده بر اثر برخوردی، با این کتاب آشنا شده، آنرا مطالعه کرده و سخت در شگفتی فرورفته است و احساس می‌کند که به گوهری گرانبها دست یافته است. بر این اساس تصمیم می‌گیرد تا با انتشار نهج البلاغه آنرا به توده مردم عرب معرفی کند.

شرح شیخ محمد عبده، بیشتر حاوی الفاظ مشکل و ژگان غریب نهج البلاغه است. با این‌همه، این شرح در جهان عرب از شهرت بسزایی برخوردار بوده و بارها در مصر، لبنان و ایران تجدید چاپ شده است.

ترجمه و تفسیر نهج البلاغه

در میان شرحهای متعددی که در عصر حاضر بر نهج البلاغه نگاشته شده، یکی از مهمترین شروح، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه اثر استاد علامه مرحوم شیخ محمدتقی جعفری (م ۱۳۷۷ هـ ش) است.

این دانشمند فرزانه که عمری را به بررسی آراء و اندیشه‌های متفکران و فیلسوفان و عارفان شرق و غرب گذرانده و دهها اثر ارزشمند را پدید آورده بود، در دو دههٔ اخیر عمر پربار خویش، تمامی وجههٔ همت خود را مصروف ترجمه و شرح نهج البلاغه کرده بود و حاصل این کار بسیار ارزنده - اما متأسفانه ناتمام - تاکنون در ۲۷ جلد عرضه شده است.

استاد جعفری به علت نوع بینش عمیق و همه‌جانبه‌ای که داشت کوشید در این تفسیر، ابعاد مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی، حقوقی، جامعه‌شناختی، فلسفهٔ سیاسی، فلسفهٔ حقوقی، و روانشناختی کلام مولی امیرالمؤمنین را دریابد. توجه به همین ابعاد است که شرح استاد را از سایر شروح گذشته و معاصر، متمایز می‌گرداند. اهم ویژگی‌های شرح و ترجمهٔ استاد به قرار ذیلند:

۱- بی‌شک در میان شرح‌های متعددی که بر نهج البلاغه به زبانهای گوناگون نگاشته شده، شرح استاد، از لحاظ کمیت، گسترده‌ترین است. و اگر این کار ارزشمند با همین روش به پایان می‌رسید به حدود ۴۰ جلد بالغ می‌شد.

۲- ویژگی دیگر این‌که این شرح به زبان پارسی رسا و روان عرضه شده و برای خوانندگان فارسی‌زبان دارای جذابیت قلمی خاصی است.

۳- ترجمهٔ متن نهج البلاغه - با توجه به احاطهٔ گستردهٔ استاد جعفری بر دو زبان عربی و فارسی - بسیار خوب، دقیق و روان است. این ترجمه هرچند تحت‌اللفظی نیست، اما با تقييد به متن، به سهولت مراد و مقصود صاحب کلام را بیان کرده و با استفاده از کلمات توضیحی، تعقیدات متن را برطرف کرده است.

۴- استاد در مواجهه با متن نهج البلاغه می‌کوشد تا با درنظر گرفتن شرایط زمانی، مکانی، قرینه‌های لفظی و غیرلفظی، درک مخاطبان مستقیم کلام مولی علیه السلام و موقعیت تاریخی آنان، و معنایی که از کلام آن حضرت در ذهن آنان نقش می‌بندد، نزدیکترین تفسیر و شرح را در اختیار خواننده قرار دهد.

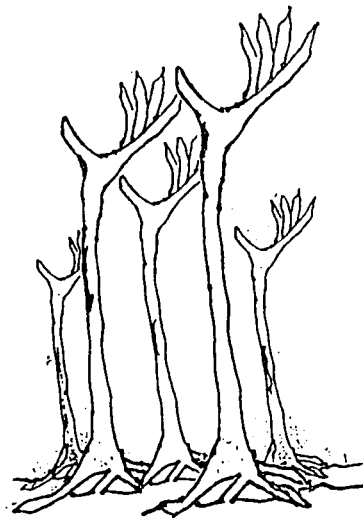
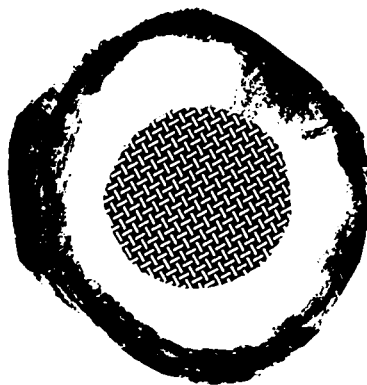
۵- توجه به سند سخنان امام علیه السلام و اثبات موثق بودن آنچه در نهج البلاغه گردآوری شده، از دیگر امتیازات این شرح است. استاد با پیگیری اسناد می‌کوشد تا خواننده را مطمئن سازد که بدون تردید آنچه را که در نهج البلاغه گرد آمده، از آن امام علیه السلام بداند.

۶- عبور از ظواهر الفاظ و بسنده نکردن به شرح

زیباییهای لفظی و ادبی نهج البلاغه و تلاش برای دریافت عمق اقیانوس کلام مولی علیه السلام نیز از دیگر ویژگی‌های این اثر تاریخی است. شرح استاد دربردارندهٔ موشکافی‌ها و غواصی‌های ویژه‌ای است که در سایر شروح نمی‌تواند آنها را یافت.

۷- استاد بر آن است که در فهم کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌توان از قرآن کریم و کلمات و روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم چشم پوشید. لذا در جای جای این شرح، استناد به قرآن کریم و روایات به چشم می‌خورد که منبعی ارزشمند برای شناخت نهج البلاغه است.

۸- از ویژگی‌های برجستهٔ این شرح، اختصاص یک جلد کامل (جلد اول) با بیش از سیصد صفحه، به شناخت



امیرالمؤمنین علیه السلام از ابعاد مختلف است. این جلد که به عنوان مقدمه شرح نهج البلاغه می باشد، به موضوع "رسالت انسانی و شخصیت علی علیه السلام" می پردازد و می کوشد تا زوایای ناشناخته یا کم شناخته شخصیتی آن حضرت را در قالب جملات و کلماتی دلنشین و با استفاده از آراء اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان و نیز در پرتو قرآن کریم و روایات نبوی و همچنین سخنان خود آن حضرت را بررسی نماید.

در حقیقت اگر سایر مجلدات، کوششی است گسترده در جهت فهم "کلام" مولی علیه السلام، این جلد تلاشی است شایسته در جهت شناسایی خود آن حضرت. والحق باید گفت استاد با نگاهی روان شناسانه توفیقات زیادی در این عرصه داشته است. استاد جعفری از میان نامه های امام علی علیه السلام نیز به شرح و تفسیر عهدنامه مالک اشتر پرداخته که به صورت مستقل و با عنوان «حکمت اصول سیاسی اسلام» چاپ شده است.

این بود توضیحات مختصری درباره حدود بیست شرح مشهور و معروف نهج البلاغه، اما درباره دیگر شروح نهج البلاغه به مصادر زیر مراجعه شود:

- ۱- خاتمه مستدرک الوسایل، محدث شهیر میراز حسین نوری ص ۵۱۳ که تعداد ۲۶ شرح را نام برده است.
- ۲- اعیان الشیعه، سید محسن امینی عاملی ج ۸ ص ۲۴۵ که ۳۱ شرح را یاد کرده است.
- ۳- کتاب «ماهو نهج البلاغه» سیده هبة الدین شهرستانی (متوفای ۱۳۸۶ هـ) که ۴۵ شرح را یاد کرده است.
- ۴- فهرست کتابخانه عمومی معارف، تألیف عبدالعزیز جواهر الکلام که ۵۱ شرح را ذکر نموده است.
- ۵- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، شیخ ضیاء الدین ابن یوسف حدائق شیرازی، ج ۲، ص ۱۲۴ - ۱۳۹ که ۶۶ شرح را یاد کرده است.
- ۶- الغدیر، علامه امینی در جلد چهارم در شرح حال سید رضی، ۸۹ شرح را یاد کرده است.
- ۷- مقدمه کتاب "شرح نهج البلاغه لشارح من القرن الثامن" از شیخ عزیزالله عطاردی که ۸۳ شرح را ذکر نموده است.
- ۸- مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهراء خطیب که ۱۰۱ شرح را یاد کرده است.
- ۹- الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آغابزرگ تهرانی ج ۱۴ ص ۱۱۱ - ۱۶۱ که ۱۴۸ شرح را یاد کرده است.
- ۱۰- شروح نهج البلاغه، شیخ حسین جمعه که ۲۱۰ شرح



را یاد نموده است.

اما درباره کتابهای مربوط به نهج البلاغه اعم از شرح تمام کتاب یا ترجمه آن یا شرح برخی خطب آن به موارد زیر مراجعه شود:

- ۱- کتاب: امه نهج البلاغه، تألیف رضا استادی که در آن ۳۷۰ کتاب مربوط به نهج البلاغه ذکر شده است.
- ۲- کتاب شناسی نهج البلاغه، مقاله ای از آقای محمدمهدی علیقلی ^(۴۶) که در آن درباره نهج البلاغه به تفکیک موضوع مصادر و کتابهای مربوطه ذکر گردیده بدین ترتیب:
- شروح (۱۲۳ شرح)، ترجمه های فارسی (۶۵ ترجمه)، ترجمه به زبانهای انگلیسی (۹ ترجمه)، به زبان اردو (۱۳ ترجمه)، دیگر زبانها (۱۶ ترجمه)، برگزیده های نهج البلاغه (۵۶ کتاب) برگزیده به زبانهای مختلف دنیا (۱۰ کتاب)،

شرح تک‌نگاری برای خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار (۲۴۸ کتاب)، و درباره موضوعات دیگر مربوط به نهج البلاغه حدود ۲۴۲ اثر را معرفی نموده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیدعبدالعزیز طباطبائی، فی رحاب نهج البلاغه، مجله تراثنا، ش ۳۵ و ۳۶ ص ۱۶۰
۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعه‌ای تصانیف الشیعه ۱۴/۱۴۳، سید عبدالعزیز طباطبائی فی رحاب نهج البلاغه (تهران‌شناسی ۳۵-۳۶) ص ۱۷۰.
۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی ج ۱ ص ۳۰۲ نسخه شماره ۲۷۳، نسخه دیگری که از روی نسخه سیدفضل‌الله تحریر شده، نسخه شماره ۱۱۹۰ کتابخانه رضا در رامپور هند نگهداری می‌شود و فیلم آن به شماره ۵۰۴۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. (فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵۲۶/۳).
۴. سیدعبدالعزیز طباطبائی، نهج البلاغه عبدالقرون، (تراثنا ش ۳۷ ص ۱۵۲)
۵. برای شرح حال وی رک: تراثنا، ش ۳۷ صص ۱۵۴ - ۱۸۷.
۶. فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه قدس رضوی ج ۵ ص ۱۷۱ این نسخه را تاج‌کرمانی تحریر نموده و در ۱۴ صفر ۷۰۵ به پایان رسانیده است.
۷. نهج البلاغه عمر القرون، تراثنا، ش ۳۸ و ۳۹ صص ۲۶۴ و ۲۶۵.
۸. برای شرح حال وی رک: سیدعبدالعزیز طباطبائی، نهج البلاغه عبدالقرون، (چاپ شده در مجله تراثنا ش ۳۷ و ۳۸ صص ۳۰۲ - ۳۱۹).
۹. در مورد وی بنگرید به: ابن کثیر، البداية والنهاية ج ۱۳ ص ۱۱۹ مفریزی، السلوک ج ۱، ص ۴۰۷، ابن شاکر، فوات الوفيات ج ۱، ص ۲۴۸.
۱۰. در مورد این شرح بنگرید به: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۲۰.
۱۱. فهرست کتابخانه ملی، ج ۴ ص ۳۶۰.
۱۲. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲ ص ۲۵۳.
۱۳. آغا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲ ص ۸۷.
۱۴. همان، ج ۱۳ ص ۱۳۴.
۱۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۲۶.
۱۶. عبدالزهرا خطیب، مصادر نهج البلاغه، ج ۱ ص ۲۱۸.
۱۷. تهرانی، همان، ج ۱۲ ص ۲۱۰.
۱۸. خطیب، همان، ج ۱ ص ۲۲۰.
۱۹. همان، ج ۱ ص ۲۱۹.
۲۰. تهرانی، همان، ج ۱۴ ص ۲۵۵.
۲۱. خطیب، همان، ج ۱ ص ۲۲۰.
۲۲. گزارشی از این اشتباهات را می‌توان در فصل‌های ۳۴ و ۶۰

نهج‌الصباغه فی شرح نهج البلاغه ملاحظه کرد.
۲۳. در رابطه با شرح ابن ابی‌الحدید، نوشته آقای صادق حسن‌زاده مراغی، چاپ شده در کتاب نهج البلاغه از منظر فرزندان صص ۱۸۷ - ۲۱۲ مراجعه شود.

۲۴. در مورد ذیل بنگرید به: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴ ص ۷۱۶؛ نیز طبقات اعلام الشیعه، روضات الجنات، قصص العلماء، ریاض العلماء.

۲۵. برای نمونه بنگرید به: منهاج البراعة، ج ۱ ص ۶.

۲۶. رجال‌العلامة الحلی، قم، منشورات دضی، ص ۴۷

۲۷. الذریعه ۱۴/۱۲۴، قم ۱۹۵۹

۲۸. کشف‌الحجب والاسرار، ص ۴۹۶ / قم ۲۷۸۳، سیداعجاز حسین نیشابوری.

۲۹. خوانساری، روضات‌الجنات، ص ۱۷۲

۳۰. رسایل خطی فارسی، دفتر دوم، ص ۵۱ - ۶۹

۳۱. رسول جعفریان، تاریخ تشیع، ج ۲ ص ۶۶۴.

۳۲. کاوشی در نهج البلاغه، ص ۶۴ و مقالات کنگره سوم و چهارم بزرگداشت نهج البلاغه، ص ۲۸۴ مقاله "شارحان نهج البلاغه"

۳۳. برای شرح حال ابن‌عتابقی رک: مجله وقف میراث جاویدان، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۹۴ - ۹۶ و برای آثار وی رک به مجله آئینه پژوهش (ش ۴۸ آذر و دی ۱۳۷۶ هـ ش ص ۹۸ - ۱۰۴).

۳۴. برای نمونه شرح ابن‌عتابقی به مجله وقف میراث جاویدان ش ۲۵ و ۲۶ صص ۹۷ - ۹۸.

۳۵. برای شرح حال و آثار الهی اردبیلی به مقاله دکتر محمدرضا بزرگر خالقی در مجله وقف میراث جاویدان ش ۹ (بهار ۱۳۷۴ ش) ص ۱۳۲ - ۱۴۳ رجوع شود.

۳۶. فهرست نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی ج ۲۶ ص ۱۶۱.

۳۷. الذریعه ۱۴/۱۲۸.

۳۸. تهران: چاپ اسلامی، ۱۳۸۰ ق.

۳۹. فصلنامه علوم حدیث، ش ۱۸ (زمستان ۱۳۷۹ ش) ص ۲۳۰.

۴۰. الذریعه ۳/۱۶۱ و ۱۴/۱۴۵

۴۱. الذریعه ۶/۲۸۴ و ۱۴/۱۴۵ و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار ۲/۶۰.

۴۲. الذریعه ۱۴/۱۴۵.

۴۳. برای شرح حال مؤلف رک: صدرانی خوبی، سیمای خوی، صص ۱۷۸ - ۱۸۳.

۴۴. فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی ص ۱۴۶، نسخه شماره ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶

۴۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله... مرعشی ج ۱۲ نسخه شماره ۴۴۱۹.

۴۶. مجله وقف میراث جاویدان، ش ۲۵ و ۲۶ (ویژه نهج البلاغه) بهار و تابستان ۱۳۷۸ ش، صص ۱۴۵ - ۱۶۱ و نهج البلاغه از منظر فرزندان (ویژه‌نامه شماره ۲)، ۱۳۷۹ ش ص ۲۴۹ - ۳۳۶.